



کارگران جهان همبسته شوید

گاهنامه

* 27 ژانویه 2010

* 7 بهمن 1388

* شماره 149

تشدید فضای خفقان و بگیروبند و اخراج در ایران خودرو

به تشکیل یک گروه مافیایی ویژه برای کنترل همه جانبه کارگران و مهار هر نوع تحرک سیاسی آن ها در رابطه با موج اعتراضات جاری خیابانی شده اند. افراد این باند پلیسی سرکوبگر کارشان این است که هر روز عده ای از کارگران را احضار می کنند، آنان را مورد تهدید و ارعاب قرار می دهند، برای آنان پاپوش درست می کنند و سپس مجبورشان می سازند تا به شرکت خویش در خیزش ها و جنگ و ستیزهای خیابانی اعتراف کنند. باند مافیای پلیسی سرکوبگر سرمایه به دنبال این تهدیدات و وحشت آفرینی ها و پرونده سازی ها به کارگران اخطار می کند که مدارک اخراج آن ها تکمیل است و اگر روزی روزگاری دست از پا خطا کنند حتماً اخراج خواهند شد. گزارش ها حاکی است که ایجاد چنین فضای رعب انگیزی فقط خاص کارخانه ایران خودرو نیست. مشابه این وضع در بسیاری از مراکز دیگر کار و تولید نیز کم و بیش دیده می شود.

28 دی 88

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

شرکت ایران خودرو فشار همیشگی خود علیه هر جنب و جوش اعتراضی کارگران را بسیار بیش از پیش شدت بخشیده است. مدیران و عوامل دولتی سرمایه سخت در هراسند که توده عظیم کارگران عاصی نیز روی به خیابان آورند و خواسته های خود را از دولت سرمایه داری در خیابان مطالبه کنند. این وحشت سرمایه داران فزون تر می شود زمانی که آنان نارضایی و خشم کارگران را زیر فشار وخامت روزافزون وضعیت معیشتی مشاهده می کنند. عوامل دولتی سرمایه در کارخانه ایران خودرو با توجه به همین مسائل چهارچشمی چند ده هزار کارگر شرکت را زیر ذره بین کنترل قرار داده اند و تازیانه های تهدید را از همه سو در بالای سر آنان به چرخش درآورده اند. قبل از هر چیز جمعیتی از کارگران دارای پیشینه بیش از 25 سال کار را به بهانه بازنشستگی پیش از موعد به خانه فرستاده اند. هدف آنان از این کار این است که تا حد ممکن از خطر کارگران دارای تجارب مبارزاتی بیشتر و تأثیرگذاری آن ها بر روی همزنجیران جوان خویش در امان مانند. عوامل سرمایه همراه با اقدام بالا دست

درگیری درمحل برگزاری انتخابات کانون بازنشستگان کارگران ایران خودرو

وزارت کشور از انتخاب نمایندگان کارگران بازنشسته ایران خودرو جلوگیری کرد

کانون بازنشستگان کارگران ایران خودرو در آستانه انحلال قرار گرفت

کنند در حالیکه انتخابات ۲۰ دی ماه به علت مشکلات زیاد و درگیری برگزار نشد. این بار همه آمده بودند تا اجازه ندهند کانون بازنشستگان منحل شود. در حضور پرشور کارگران نمایندگان یکی روی سن رفتند و خود را بار دیگر به همکاران خود معرفی کردند. و منتظر ماندند تا نمایندگان وزارت کشور تشریف بیاورند.

حدود ساعت ۱۲ ظهر سروکله نمایندگان وزارت کشور در میات اعتراض کارگران وارد سالن شدند. وبعد از کلی قصه بافی با کمال وقاحت اعلام کردند این انتخابات مورد تأیید وزارت کشور و کمسیون ماده ۱۰ نمی باشد.

وقتی که همه کاندیدها روی سن بودند از آنها خواستند سالن را ترک کنند. ولی این کار نمایندگان وزارت کشور با اعتراض کارگران مواجه شد و کارگران اعلام کردند ما سالن را ترک نخواهیم کرد ما برای انتخابات آمده ایم و باید نمایندگان خود را انتخاب کنیم. نمایندگان

روزیکشنبه چهارم بهمن ماه ۸۸ صدها کارگر بازنشسته ایران خودرو با وجود کهولت سن برای دومین بار از راههای دور از شهرستانها به محل برگزاری انتخاب نمایندگان کانون بازنشستگان خود در سالن ساپکو گرد هم آمده بودند تا نشان بدهند برای کارگران تشکل با همه مشکلات و نارسائی ها چقدر اهمیت دارد.

کارگران بازنشسته که سالها از ایجاد هر گونه تشکل در داخل شرکت و در حین کار محروم بودند ولی بعد از بازنشسته شدن چاره حضور وزنده بودن خود را و برای حل مشکلات و دور هم جمع شدن را داشتن تشکل دیده بودند و برای همین چند سال پیش تشکل کانون بازنشسته را تشکیل داده و حتی آن را در وزارت کشور به ثبت رسانده بودند و کانون را به یکی از کانون های فعال در عرصه مبارزاتی ساختند. کارگران بازنشسته با کوله باری از تجربه بر خلاف کارگران شاغل ایران خودرو همچنان برای فعالیت کانون خود پافشاری می

و بدین ترتیب نماینده وزارت کشور شقایق از انتخاب نمایندگان کارگران ایران خودرو جلوگیری به عمل آورد و عملاً انتخابات به هم خورد. خودروکار

وزارت کار وقتی که با اعتراض یکپارچه کارگران مواجه شد اعلام کرد شما رای بدهید ما انتخابات را باطل اعلام می کنیم. وبا آوردن بهانه های مختلف و تهدید کارگران در میان فریاد کارگران که می گفتند این یک توهین آشکار به کارگران است سالن را ترک کرد.

این جنبش به کدام سو باید برود؟

برگفته از سایت " زنان دیگر "

نیروهای سرکوبگر دولت اسلامی فرار گرفتند. شرکت وسیع و شجاعانه زنان از هر قشر و طبقه ای، در مبارزات چند ماهه اخیر و نقش فوق العاده مهمی که در این مبارزات بازی کردند تبلور و نتیجه همین روحیه مبارزاتی است. به همین دلیل است که مرتجعین اسلامی تلاش کردند نهایت وحشیگری و سبیت را در برخورد به آنان اعمال کنند، غافل از اینکه این خشونت ها تنها آتش خشم مردم و بخصوص زنان ما را شعله ورتر می سازد. حال همان زنان و دخترانی که سی سال زیر یوغ قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی، فرهنگ و سنت مرد سالاری، سنگسار و قتل های ناموسی، بی عدالتی و نابرابری در محیط کار و محیط های آموزشی قرار داشتند به میدان آمده اند. آنها نشان داده اند که شعارها و مطالباتشان از سطح چند دستکاری در قوانین ضد زن یا پیوستن به " کنوانسیون های رنگارنگ بین المللی " و چشم امید داشتن به " بالایی ها و راس هرم قدرت " فراتر می رود و حاضر نیستند به این آسانی از خواسته ها و مطالبات پایه ای شان دست بکشند.

خواسته ها و مطالبات پایه ای که متأسفانه در این خیزش برغم جانفشانی ها و فریاد بلند زنان، پنهان مانده و هنوز به شعارهای اصلی تبدیل نشده است. کجا شنیده شد که شعارهای فریاد زده شده ای این جنبش ربطی به نابرابری و بی حقوقی آشکار زنان توسط این نظام زن ستیز داشته باشد؟ آیا این چیزی جز نتیجه نفوذ رهبری ارتجاعی سبز بر حرکت مردم است؟ مگر نه اینکه " رهبران سبز " سعی در کنترل و راه اندازی شعارهایی دارند که به پر قبای نظامشان بر نخورد و جمهوری اسلامی ولایی شان آسیب جدی نبیند؟

آیا امروز دوستان کمپینی و همگرایی هنوز معتقدند که خواست پایه ای زنان با پیوستن به این یا آن کنوانسیون و چشم داشتن به راس هرم قدرت جواب می گیرد یا با آزادی و برابری بی قید و شرط، رفع تبعیض جنسیتی، حقوق برابر با مردان در محیط کار و محیط های آموزشی، جدایی دین از دولت، لغو حجاب اجباری و بطور خلاصه رسیدن به جامعه ای بنیادا متفاوت؟ جدا از اینکه این خواسته ها تا چه حد تبدیل به شعارهای مبارزاتی شده یا نشده است (که باید بشود و نقش

انتخابات اخیر و وقایع بعد از آن باعث به حرکت در آمدن مردم و رشد روحیه انقلابی شده است. نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی از همان روزهای اول اعتراضات از هیچ اقدام جنایتکارانه ای دریغ نکردند. لباس شخصی ها، تک تیر اندازها، بسیجی ها و ... سعی کردند با ایجاد رعب و وحشت، تجاوز و شکنجه و کشتار، مردم را به عقب برانند، اما معترضین به خشم آمده با تمام این تهدیدات تا کنون از پای ننشسته و به حرکت خود ادامه می دهند.

در واقع انتخابات روزنه ای شد برای سرریز شدن آتش خشم و نفرت نهفته در دل مردم. خشمی که به دلیل سی سال اختناق و سانسور، زندان و شکنجه و اعدام، تبعیض جنسیتی، سرکوب دگراندیشی، فقر و نابرابری، اعمال قوانین قرون وسطی ای که در تمام اشکال و ابعاد غیر انسانی آن در دل مردم انباشته شده بود.

شکاف بیسابقه در میان هیئت حاکمه و اختلاف راهکارهای شان بر سر کارآمد کردن جمهوری اسلامی، شکل دهنده و زمینه ساز وقایع کنونی است. اینان که همه شان در جنایت، سرکوب و غارتگری سی ساله اخیر شریک بوده و هستند، برای حفظ نظام شان و سهم بیشتر داشتن از منابع اقتصادی و سیاسی به جان هم افتاده و تلاش می کنند دیگری را از میدان به درکنند. اما به حرکت در آمدن مردم بر اساس تضادهای طبقاتی و اجتماعی بسیار عمیق و بر بستر نفرتی گسترده از جمهوری اسلامی رخ داده است. مردم از این شکاف که رژیم را تضعیف کرده سود جستند و وارد میدان مبارزه سیاسی شده و قدرت خود را در خیابانها تجربه می کنند.

اما در این مبارزه گسترده سیاسی نکته قابل توجه نقش فعال زنان است که ما زنان بیشتر باید به آن بپردازیم.

نقش زنان و خصوصا دختران جوان در مبارزات اخیر و حضور بی وقفه شان در صفوف مقدم چنان چشمگیر بود که مرتجعین حاکم هم برغم میلشان به آن اذعان دارند. سالیان دراز فشار و ستم، قرار بود منجر به پرورش زنانی مطیع و فرمانبردار گردد، اما در عوض به مبارزهای مداوم توسط زنان و دختران جوان علیه سرکوبگری و قوانین ضد زن دامن زد. زنان بصورت خودبخودی و یا آگاهانه از رعایت قوانین عقب مانده و ضد زن سرپیچی کرده و در مقابله دائمی علیه مظاهر گوناگون این ستم (از حجاب اجباری گرفته تا دیگر قوانین زن ستیز) به مبارزه دست زدند و در موضع جنگ و گریزی دائمی با

بازگردند؛ دوره ای که بدترین شکنجه ها، کشتارها و جوخه های اعدام را دیده، تجربه کرده و یا شنیده و خوانده‌اند.

" جریان سبز و الله اکبری " تلاش میکند تا ارزش ها و معیارهای خود را بر جنبش غالب و تثبیت کند. نتیجه آن چیزی نخواهد بود بجز به هرز رفتن همه جانفشانی‌هایی که مردم تاکنون از خود نشان داده‌اند. بخشهای رادیکال‌تر جنبش در عمل و در خیابان تا حدی تمایز خود را با صف اینان نشان داده‌اند. اما این حرکت رادیکال هنوز انعکاس سیاسی و تشکیلاتی ندارد و متأسفانه نتوانسته نشان دهد که توانایی رهبری و سازمان دهی جنبش توده‌ای را دارد.

مردم به قدرت خود پی برده‌اند اما این قدرت فقط با سازمان‌یابی بر محور یک سیاست درست و بی‌ابهام است که میتواند نتیجه و تداوم داشته باشد. بخش رادیکال جنبش باید با اتکا به توده‌های بپاخاسته و از دل همین خیزش این توانایی را بیابد؛ تا بتواند ضمن خنثی کردن تأثیرات مقابل (حزب سبز و الله اکبر)، تبدیل به آلترناتیو انقلابی شود.

اکثریت مردم (کارگران و زحمتکشان، زنان، معلمان، پرستاران و...) هنوز آمال و خواسته‌هایشان را بطور آگاهانه بیان نمی‌کنند. بطور مثال هنوز خواسته‌های مشخص زنان مانند لغو حجاب اجباری که ستون‌های نظام ضد زن را هدف قرار میدهد تبدیل به شعار آگاهانه این جنبش نشده است. ایجاد تشکل‌های انقلابی زنان که بتوانند مطالبات عینی زنان را تبدیل به شعارها و حرکت‌های آگاهانه کنند می‌تواند در تعیین اینکه این جنبش کدام جهت را بگیرد، نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد. این ضرورتی است که بیش از همیشه حس می‌شود. اوضاع و شرایط پرتلاطم است. مرتجعین حاکم نیز این را فهمیده‌اند که دیگر نه ترمیم شکافهای درونیشان ممکن است و نه بازگرداندن سیل خروشان جنبش به شرایط قبل از خرداد 88. این اوضاع بهترین فرصت‌ها را برای نیروهای آگاه و زنان چپ فراهم میکند تا بتوانند به این جنبش، رنگ و مسیر دیگری بدهند.

ما زنان خواهان مبارزه و سرنگونی کل نظام و مناسبات وابسته به آن و ریشه کن کردن همه روابط تولیدی استثمارگرانه و همه ایده‌های سنتی هستیم. دگرگونی‌ای که هدفش رهایی کل بشریت است "نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد". این میسر نمی‌شود مگر با یک دگرگونی اساسی و نابود کردن تمام مناسبات حاکم.

فرشته بهاری

زنان آگاه در این کار تعیین کننده است) اما بطور واقعی زنان و دختران جوان در این جنبش نشان داده‌اند که مطالباتشان از چه جنسی است. در این وضعیت آیا هنوز میتوان اعلام کرد "تغییر خواسته‌های اعلام شده اولیه جنبش مردم امری غیر اخلاقی و باعث تجزیه و تکه تکه شدن" است؟ (نقل از مقاله نوشین احمدی خراسانی - 10 روزی که ایران را لرزاند).

بهتر است کسانی که خود را نماینده بلاعزل زنان ایران می‌دانند بیابیه های آقای موسوی را با دقت و احساس مسئولیت بیشتری نسبت به کل جنبش و بالاخص جنبش زنان مطالعه کنند و بعد از آن صادقانه و مسئولانه بگویند باز هم تنها راه رهایی زنان ایران از اینهمه ستم را دنباله روی از این "آقایان" می‌دانند؟

آیا خوشبینی کاذب و دنباله روی‌های کورکورانه باعث نمی‌شود که جنبه‌های منفی و زنگ خطرهایی که این جنبش را تهدید میکند نادیده گرفته شود؟ آیا اینکه با گذشت چندین ماه از حرکت‌های اعتراضی مردم، جنبش هنوز نتوانسته خود را از زیر رهبری و نفوذ سبزا (که ملغمه ای است از صف مردم و جناحی از حاکمیت) بیرون بکشد، زنگ خطر کم صدایی است که شنیده نمی‌شود؟

دوستان! صفوف این جنبش درهم برهم است. ما نباید از نقشه ها، ترفندها و سازش‌های پشت پرده اینان، هم در بین خود و هم با اربابان‌شان، غافل شویم؛ باید هوشیار باشیم و سازمان‌دهی و تشکلیابی مستقل را فراموش نکنیم. انقلاب 1357 را بیاد داشته باشیم که آن چنان سرگرم و درگیر مبارزات بودیم که نفهمیدیم چگونه و چطور یک حکومت ارتجاعی سوار بر مبارزات مردم و جایگزین حکومت ارتجاعی دیگر شد.

جریان سبز، تحت عنوان هواداران موسوی - کروبوی شعارها و خواسته‌هایشان را پیش کشیده‌اند. موسوی در بیانیه‌های مکرر خود تأکید کرده که هم چنان خواهان نظام جمهوری اسلامی است و جمهوری اسلامی مورد نظرش همان جمهوری اسلامی "نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد" خمینی است! در جایی دیگر نیز گفته: "آمده بودم تا بار دیگر مردم را به انقلاب اسلامی آن گونه که بود و جمهوری اسلامی آن گونه که باید باشد دعوت کنم". تفاوت این سخنان با دیگر رقبای موسوی چیست؟ موسوی چهار چوب اصلاح‌طلبی و دامنه دمکراسی خواهی‌اش را روشن بیان کرده است، نه سرنگونی طلب است و نه اصلاح طلب و نه رهبر و پیشاهنگ یک جنبش به پا خواسته مردمی. او وعده بازگشت به "انقلاب اسلامی 30 سال پیش و جمهوری اسلامی خمینی" را میدهد غافل از اینکه مردم مبارز ایران با فریاد بلند اعلام کرده‌اند که نمی‌خواهند بار دیگر با تکیه بر راه خمینی حرکت خود را سازمان دهند. نیروهای اصلی این جنبش کسانی‌اند که نمی‌خواهند به دوره خمینی و نخست وزیری موسوی

دروود بر زنان آگاه و مبارز

آگاهی و تشکل مستقل ضرورت مبارزه طبقاتی است

یاد کشتار کارگران خاتون آباد گرامی باد

و دو هوا کردن، قول پیگیری خواسته های کارگران و محاکمه عاملین کشتار مردم شهر بابک را می دهند، تا ضمن خواباندن سر و صدا مانند تمامی جنایات تانکونی شان آنرا شامل مرور زمان کرده تا شاید از حافظه تاریخی مردم دور شود.

مردم زحمتکش ایران و در راس آنها کارگران از خطه شمال تا جنوب، از شرق تا غرب یاد جانباختگان خود و جنایات هولناک رژیم از سرکوب ماهیگیران انزلی، درهم کوبیدن اعتصاب کارگران شرکت نفت، به گلوله بستن کارگران دیلم، ... به بند کشیدن معلمان، سرکوب و به زندان بردن زنان، ضرب و شتم و کشتار دانشجویان، ترور روشنفکران و نویسندگان، قتل های سیاسی زنجیره ای و قتل عام زندانیان سیاسی را از فردای به حکومت رسیدنشان نه فقط فراموش نمی کنند، بلکه هر سال با برپائی گسترده تر سالگرد کشتار عزیزانشان متحد تر برای محاکمه آمرین و عاملین جنایات و سرنگونی حکومت سرمایه داری اسلامی خیز بر می دارند.

طبقه کارگر هر سال ضمن گرامیداشت خاطره همکاران جانباخته خود با ابراز همدردی با خانواده های آنان و مردم شهر بابک، با درس آموزی راه خود را به جلو باز کرده است. آنان با عبور از سرکوب لجام گسیخته رژیم، توانستند گامی بزرگ بجلو بردارند. با این وجود هنوز در نبرد طبقاتی خود راهی دشوار و طولانی را در پیش رو دارند.

مطلبی از تلویزیون کومه له

4 بهمن ماه 1388 = 24 ژانویه 2010

6 سال پیش در چنین روزهایی کارگران معدن خاتون آباد برای جلوگیری از اخراج و بیکار شدن و لغو قراردادهای موقت دست به اعتصاب جمعی در محل کار خود می زدند. کارفرما به جای پاسخگوئی به خواست به حق کارگران ابتدا با تهدید، سپس با فراخواندن نیروهای اطلاعاتی و انتظامی درصدد سرکوب کارگران بر می آید. این امر در تداوم خود موجب گسترش اعتراض کارگران شده و خانواده هایشان نیز به تحسن می پیوندند. عوامل سرکوب حکومت سرمایه داری اسلامی نظیر همیشه شروع به ضرب و شتم و دستگیری کارگران می کنند.

در پی پیچیدن خبر سرکوب وحشیانه کارگران و خانواده هایشان در سطح شهر بابک، مردم خشمگین و یکصدا علیه رژیم به خیابان می آیند. شهر تعطیل و جاده های ورود و خروج به آن توسط کارگران و زحمتکشان به ستوه آمده از اجحافات کارفرمایان و حکومت مسدود می گردد.

مزدوران سرمایه که از خشم مردم به وحشت افتاده بودند، برای جلوگیری از همگانی شدن اعتراضات در روز 4 بهمن سال 1382 دستور به گلوله بستن کارگران و زحمتکشان شهر بابک را از زمین و هوا صادر می کنند. چهارتن از کارگران به نامهای مهدوی، جاویدی، ریاحی و مدنی و یک دانش آموز بنام پورامینی کشته و تعداد زیادی زخمی و دستگیر می شوند.

در پی پخش خبر کشتار کارگران و برپائی اعتراضات وسیع در خارج از کشور و محکوم کردن اقدام جنایتکارانه حکام سرمایه داری اسلامی توسط نهادها و مجامع بین المللی، سران رژیم نظیر همیشه با یک بام

پایان اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان

با قول و مساعدت مسئولین کارگران معترض ذوب آهن اصفهان بر سر کارهای خود حاضر شدند.

این مسئولان رانندگان از شیفت عصرکاری سه شنبه کار خود را از سر گرفتند و در صبح چهارشنبه حقوق هر دوماه پرداخت گردید. در تحولی دیگر در روز سه شنبه رانندگان لیفتراک و لودر شرکت رسول ماشین در قسمت موسوم به 600 ذوب آهن برای چندین ساعت دست به اعتصاب زدند که با حضور مسئولان شرکت و قول پرداخت حقوق آنان ماه تا آخر همین هفته رانندگان بر سر کار باز گشتند.

خبرگزاری هرانا - حقوق کارگران : روز سه شنبه 29 دی ماه در حالی که اعتصاب رانندگان کامیون شرکت احیاگستران اسپادان ذوب آهن اصفهان وارد چهارمین روز خود شده بود آقایان وکیلی مدیر حراست میرلوحی رییس انتظامات و کریمی از دیسپاچرکل ذوب آهن به میان رانندگان آمدند و قول دادند که حقوق آنان در چهارشنبه و حقوق آذرماه در شنبه هفته آینده پرداخت شود. در مورد تبدیل وضعیت قرارداد رانندگان به قرارداد مستقیم با ذوب آهن نیز قول پیگیری داده شد. به گزارش شورای کارگران ذوب آهن، بعد از صحبت

برای اتحاد، مبارزه و پیروزی: آگاهی طبقاتی و تشکل مستقل ضروری است